

Examining Governance Strategies for Favorable Cyberspace Policymaking In Order to Promote Family Social Capital

Abstract

Cyberspace, as a second world for human life, has transformed the level of communication into two parallel layers. The result of this parallelism is the dual spatialization of all phenomena, including the family. In this article, the three approaches of "instrumentalism", "essentialism", "interactionism" are intersected with the three approaches of "liberalism", "authoritarianism" and "socialism". The result of this correspondence is three types of "technology's subordination to human thinking", "technology's autonomy" and "two-way interaction between technology and humans". On the other hand, important aspects of the family are formulated in three structural, cognitive and communicative dimensions. The purpose of the present study is to answer the question of what are the governance policies for desirable cyberspace policymaking in order to promote the social capital of the family? Therefore, using the content analysis method based on a qualitative approach and referring to various sources including books, scientific articles and research reports, the answer to this question has been examined. The research findings show that by adopting strategic policies such as identifying and restoring the dual-space family system, strengthening the family's understanding of cyberspace, and supporting content production through it, the government can create opportunities from cyberspace and use it to promote the family's social capital.

Keywords

Social capital, policymaking, cyberspace, family, media management.

راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده

چکیده

فضای مجازی به مثابه زیست‌جهان دوم برای حیات انسانی، سطح ارتباطات را به دو لایه موازی بدل نموده است. حاصل این توازی، دو فضایی شدن همه پدیده‌ها از جمله خانواده است. در این نوشتار، سه رویکرد "بزارگرایی"، "ذات‌گرایی"، "تعامل‌گرایی" در قلمرو ماهیت جهان مجازی با سه رویکرد "آزاداندیشی"، "اقتدارگرایی" و "اجتماع‌گرایی" در عرصه سیاستگذاری فضای مجازی، در تقاطع قرار می‌گیرند. حاصل این تناظر سه‌گونه "تبعیت فناوری از تفکر انسانی"، "خودمداری فناوری" و "تعامل طرفینی فناوری و انسان" است. از دیگر سو جنبه‌های مهم خانواده در خصوص سرمایه اجتماعی در سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی صورت‌بندی می‌شود. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که سیاست‌های حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده چیست؟ از این‌رو با استفاده از روش تحلیل محتوا مبتنی بر رویکرد کیفی و مراجعه به منابع مختلف از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی و گزارش‌های پژوهشی، پاسخ این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حاکمیت با اتخاذ سیاست‌هایی راهبردی مانند شناسایی و بازیابی نظام خانواده دوفضایی، تقویت شناخت خانواده از فضای مجازی و حمایت از تولید محتوا توسط آن و... می‌تواند از فضای مجازی تولید فرصت کند و آن‌را در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده بکار گیرد.

کلید واژگان

سرمایه اجتماعی، سیاستگذاری، فضای مجازی، خانواده، مدیریت رسانه.

مقدمه و بیان مساله

فضای مجازی عرصه شبیه‌سازی واقعیت‌هاست و بستر ساز فضای نوین ارتباطات است. این فضا که فاصله زمانی و مکانی را از بین برده، ارتباطات را به سطحی دو لایه بدل و عملاً دو فضا برای زیست انسان مهیا کرده تا آنجا که این زیستگاه، بخشی از حیات انسان‌ها شده است. زیست‌بوم فرهنگی جهان کنونی، علاوه بر شکل‌گیری از عناصر عینی و خارجی، از مؤلفه‌های مجازی نیز ساخت می‌یابد که جهانی‌شدن و توسعه فناوری و ارتباطات سبب اصلی آن است. در چنین شرایطی که فاصله زمانی و مکانی از بین رفته است، ارتباطات به سطحی دو لایه بدل شده است و عملاً دو فضا را برای زیست مهیا می‌نماید. پارادایم دوفضایی-شدن‌ها، نگاهی است که به تبیین و متمایز نمودن دو جهان موازی و در عین حال مرتبط و درهم‌آمیخته در یکدیگر می‌پردازد و جهانی‌شدن‌های متکثری را در درون خود مورد توجه قرار می‌دهد. با این رویکرد، مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را رقم می‌زند، رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است. ظهور جهان جدید یعنی «جهان مجازی» که آن را "جهان دوم" نیز می‌خوانند، بسیاری از نگرش‌ها، روندها و ظرفیت‌های آینده جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و خواهد داد. جهان دوم به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم و در فضای مجازی عینیت پیدا می‌کند. این دو جهان از یک رابطه انعکاس هندسی برخوردارند و دادوستدهای بی‌شماری میان آن‌ها جریان دارد.

روشن است که این عرصه با همه گستردگی و اثرگذاری‌اش نیاز به سیاست‌گذاری جامع و هوشمندانه دارد و نقش حاکمیت در سیاست‌گذاری مطلوب فضای مجازی، اتخاذ و اجرای سیاست‌های کارآمد است. آنچه در این میان نیاز به توجه ویژه دارد، ساحتی از جامعه است که مواجهه تنگاتنگ با فضای مجازی پیدا کرده و اثرپذیری فراوانی از این فضا دارد. این ساحت، نهاد خانواده است که نه از قضا می‌تواند با کنشگری در این فضا، اثرگذار بر آن باشد. اما آنچه شاهدیم، ظهور شکلی از خانواده است که تا پیش از این سابقه نداشته و آن خانواده دوفضایی است.

خانواده دوفضایی، یکی از واقعیت‌هایی است که در زیست‌بوم فضای مجازی شکل گرفته است؛ خانواده‌ای که عملاً بخشی از آن در فضای خارجی و بخشی از آن در فضای مجازی زیست می‌کند. این دوزیستی، شامل شوق حضور و زمان آن، سامان‌دهی عواطف و هیجانات، تعامل و گفتگو و... می‌شود، نحوه‌ای از وجود دو ساحتی که تعالی خانواده را با چالش‌هایی روبرو ساخته است. این دوزیستی، شامل شوق حضور و زمان آن، سامان‌دهی عواطف و هیجانات، تعامل و گفتگو و... می‌شود، نحوه‌ای از وجود دو ساحتی که تعالی خانواده را با چالش‌هایی روبرو ساخته که طبقه‌بندی نسل‌ها و شکاف عاطفی میان آن‌ها، غلبه فرهنگ شهرت و سلبریتی و از بین رفتن مرجعیت خانواده، افول نظام ارزشی خانواده در چارچوب زیست‌بوم فرهنگی آن و شکل‌گیری خرده-فرهنگ‌های متکثر، تلقی مصرف‌گرایی از خانواده به جای بازتولیدکننده ارزش و در نهایت تشویش در هویت جنسیتی نمونه‌هایی از این دست است.

چنانچه خواهد آمد، خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی از سه حیث ساختاری، شناختی و ارتباطی واجد ابعاد است که می‌طلبد در راستای ارتقاء آن و با توجه به آن ابعاد، پیشنهادهای سیاستی تدوین و اجرایی شود. نظر به آنچه گذشت ضروری است در قدم نخست، ماهیت فضای مجازی را شناخت و سپس سیاستگذاری فضای مجازی را مورد بحث قرار داد.

در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده سامان یافته است. سؤال اصلی پژوهش این است که با چه سیاست‌هایی می‌توان در عرصه حکمرانی فضای مجازی، به تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده کمک نمود؟ به‌منظور پاسخگویی به این سؤال، ابتدا به تبیین چیستی و ماهیت فضای مجازی و بررسی رویکردهای مختلف به این پدیده پرداخته می‌شود. سپس، رویکردهای مختلف در سیاست‌گذاری فضای مجازی مورد واکاوی و تحلیل قرار گرفته و در یک تناظر میان دیدگاه‌های حاکم بر فضای مجازی و نیز سیاست‌گذاری آن، تأثیر نگاه مختار بر سرمایه اجتماعی خانواده مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی برای بهینه‌سازی سیاست‌گذاری در فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده ارائه خواهد شد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و سایر دست‌اندرکاران حوزه خانواده و فضای مجازی در تدوین و اجرای سیاست‌های کارآمد به منظور ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده قرار گیرد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و چگونگی بهره‌گیری بهینه از این فضا برای تحکیم روابط خانوادگی و ارتقای سرمایه اجتماعی کمک نماید.

ادبیات نظری

ماهیت فضای مجازی

فضای مجازی نوعی «فرامحلی شدن هم‌زمان» است که از طریق ارتباطات شبکه‌ای فراهم شده و فضای واحدی را در ظرف جهانی و برای همگان به اشتراک گذاشته است. (عاملی، ۱۳۹۶، ۲۲-۲۳) فضایی جهانی در متن فضای اطلاعات که از شبکه به هم وابسته با زیرساختی فناورانه شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سامانه‌های مخابراتی، سامانه‌های کنترل‌گر و پردازشگرهای جاسازی‌شده تشکیل شده است. مایکل هایم^۱ درباره آن این‌طور می‌گوید: فضای مجازی چیزی بیش از یک پیشرفت مهم در رسانه‌های الکترونیک، یا در طراحی هم‌کنشگر کامپیوتر است. فضای مجازی به همراه محیط‌های مجازی و جهان‌های وانموده‌اش، آزمایشگاهی متافیزیکی و ابزاری برای آزمودن معنای ما از واقعیت است؛ (هایم، ۱۳۹۰، ۱۵۵) پیوند اطلاعات دیجیتالی و ادراک انسانی. (هایم، ۱۳۹۰، ۲۶۲)

^۱ . Michael Heim

دیدگاه‌های مختلف در خصوص ماهیت فضای مجازی

در خصوص اینکه آیا فضای مجازی صرفاً ابزاری برای بشر است یا دارای ذاتی استقلالی است، سه رویکرد "ابزارگرایی" و "ذات‌گرایی" و "تعامل‌گرا" وجود دارد. در رویکرد ابزارگرایی نیز فضای مجازی به مثابه وسیله‌ای فاقد اراده و خواست قلمداد می‌شود که نوع کارایی و ارزش آن بسته به تصمیم و عملکرد انسانی است که آن را به کار می‌بندد و ذات‌گرایی معتقد است دارای ماهیت مختص به خود است که می‌تواند در معادلات اجتماعی و ... تأثیرگذار باشد. در این میان افرادی نیز هستند که اساساً رویکرد تقابلی میان انسان و فضای مجازی ندارند و به‌نوعی تأثیر و تأثر متقابل معتقدند و نیز افرادی هستند که به ذات خالصی برای فناوری قائل نیستند، لذا آن را به دست انسان قابل تغییر می‌داند اما آن را ابزار صرف نیز تلقی ننموده و در معادلات اجتماعی و فرهنگی دارای وزن و تأثیر می‌دانند و یا اشخاصی چون کالینگراد وجود دارند که معتقدند انسان در ساخت فناوری آزاد است اما در ادامه و کنترل آن تقریباً همه چیز به دست خود فناوری رقم می‌خورد.

رویکرد اول: ابزارگرا

اکثر آفرینندگان فضای مجازی قائل به این رویکرد هستند و با خنثی دانستن آن، ذات مستقلی برایش در نظر نگرفته و ارزش آن را در روش استفاده از آن تعبیه می‌کنند، بنابراین فناوری صرفاً وسایل و مصنوعات است که به دست انسان آفریده شده و مطابق با خواست و اراده او کاربرد خواهند داشت. (شریف، ۱۳۶۷، ۴۷) تأکید این رویکرد به جای نظام و سیستم منسجم که دارای عاقله و نیروی تفکر باشد، بر روی مصادیق و ابزار فناوری در دست انسان است، بر این اساس تلقی فضای مجازی به‌عنوان ابزار تعامل نیز ذیل همین دیدگاه می‌گنجد. (جوزف، ۱۳۹۳، ۶۷) این دیدگاه توجه بسیار زیادی به ابتناء فناوری بر علم و دانش نظری می‌کند، زیرا برای به‌کاربردن آن در جهان فیزیکی و صورت‌دهی مادی مناسب به آن، دانش قوانین طبیعی و برخورداری از نظام علمی و تخصصی شرط است. ذیل دیدگاه ابزارگرایی دو دیدگاه مهم از "شریف" و "پیت" حائز اهمیت است.

رویکرد دوم: ذات‌گرا

ذات‌گرایی رویکردی است که فناوری را دارای ذات مستقل دانسته و به مثابه شخص با آن مواجه می‌شود. (هایدگر، ۱۳۸۹، ۱۰۰) صاحبان این دیدگاه دارای طیف‌های مختلفی هستند؛ گاه قائل به جبرگرایی سخت هستند و آن‌قدر قدرت فناوری را بالا می‌دانند که آن را سبب اصلی تمام تحولات جهان قلمداد می‌کنند و گاه هم جبرگرایی نرم هستند (نصر، ۱۳۸۵، ۱۳۱) و هرچند فناوری را عامل اصلی می‌دانند اما آن را علت آن در نظر نگرفته و تحت تأثیر سایر عوامل محسوب می‌کنند. (ایلول، ۱۳۸۸، ۵) از زمره قائلین این دیدگاه هایدگر و ایلول و سید حسین نصر است.

رویکرد سوم؛ تعامل گرا

این دیدگاه بنای فناوری و فضای مجازی را بر تعامل با انسان می‌گذارد و فارغ از اینکه ابزار است یا ذات مستقل، دوگانه انسان و فناوری را دارای دیالکتیک می‌داند. از زمره شخصیت‌های این دیدگاه فینبرگ است که از جمله منتقدان فناوری است، اما نه از زمره کسانی که تنها نگاه تخریبی داشته و امیدی به اصلاح ندارند، بلکه با توجه به ابعاد گوناگون زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و کارکردهای متعدد فناوری به دنبال ارائه نسخه‌ای بدیل برای آن است. (تقوی، ۱۳۹۱، ۶۹) شاخص دیدگاه فینبرگ دخالت ارزش‌ها در طراحی و شکل‌گیری فناوری است. او بدون آنکه بخواهد چرخ‌های فناوری را متوقف کند و یا از شر آن به شعر و هنر فرار کند، به دنبال بدیلی برای فناوری است. با توجه به نظریه ابزارسازی فینبرگ که تفکیک میان ابزاربودگی و ارزش‌های حاکم بر آن را امری ممکن می‌شمرد، می‌توان با تغییر ارزش‌های کنونی حاکم بر فناوری، نواقص و اشتباهات آن را برطرف نمود.

سیاستگذاری فضای مجازی

از دیدگاه مفهومی، «سیاستگذاری» فرایند پیچیده‌ای است که بر اساس یک الگوی نهادینه‌شده هدایت و کنترل می‌شود. (بروکس، ۱۹۹۳: ۷۹) این الگوی نهادینه‌شده عبارت است از کلیه حقوق، آداب و رسوم، روش‌های مورد عمل، رویه‌ها، ضوابط سازمانی یا دیگر عناصر تثبیت‌شده در زندگی سیاسی یا اجتماعی یک ملت. (اسکرات، ۱۹۸۲: ۲۲) سیاستگذاری در فضای مجازی که فضایی ناپایدار و متغیر است و عناصر مختلف، مؤلفه‌های متعدد و وجوه متفاوتی در آن تأثیرگذار و از یکدیگر تأثیر پذیراند باید جامع‌نگر باشد؛ آن چنانکه به همه ابعاد و زوایای موضوع چه از لحاظ ساختاری، چه از نظر شکلی و چه از نگاه محتوایی توجه داشته باشد. از زمره ویژگی‌های این فضا به‌عنوان بستر انتقال پیام، سرعت، فراگیری، قابلیت دسترسی بی‌مرز، فرا مکانی، فرازمانی، سیال بودن، تشدید واقعیت و چندرسانه‌ای بودن است.

اگر بر تعاریف مشهور «سیاستگذاری رسانه‌ای»^۳ که آن‌ها «مجموعه‌ای از اصول و هنجارها برای هدایت رفتار نظام‌های ارتباطی» می‌داند و یا به گفته فریدمن^۴ «مجموعه‌ای از اصول و هنجارها است که برای راهبری سازمان‌های رسانه‌ای تدوین می‌شود» تکیه کنیم، سیاستگذاری فضای مجازی مفهومی منطبق با سیاستگذاری رسانه‌ای بوده و مفاهیم و ادبیات علمی آن دو بر هم تطبیق می‌کند.

نظریه‌های سیاستگذاری فضای مجازی

این نظریه‌ها به‌عنوان چارچوب‌های مفهومی‌ای عمل می‌کنند که تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌هایی را که بر چشم‌انداز فضای مجازی حاکم هستند، هدایت می‌کنند. این نظریه‌ها بینش‌هایی را در مورد فلسفه‌ها و اصول اساسی ارائه می‌دهند که تصمیمات

2 . Techninal Codes

3 . Media Policy Concept

4 . freedman

مربوط به مقررات، تولید محتوا و انتشار را تعیین می‌کند. بسته به اینکه کدام نظریه مورد استفاده قرار گیرد، سیاستگذاری‌های متفاوتی صورت خواهد پذیرفت که هر یک در مراحل گوناگون سیاستگذاری تأثیر قطعی خواهد داشت:

۱- نظریه آزاداندیشی^۵

تئوری آزاداندیشی سیاستگذاری، بر حداقل مداخله دولت در امور رسانه‌ها و فضای مجازی تأکید دارد و جوهره آن آزادی فردگرایانه است. این نظریه بر این باور است که بازار آزاد و دسترسی نامحدود به اطلاعات منجر به بهترین نتایج برای جامعه می‌شود. بر اساس این نظریه، افراد و سازمان‌های رسانه‌ای باید در ایجاد، توزیع و مصرف محتوا بدون دخالت بی‌رویه، استقلال داشته باشند و تأکید بر مفهوم فردگرایی، اساس نظریه آزاداندیشی است. دولت حق محدود کردن آزادی را ندارد. درحالی‌که این رویکرد باعث ایجاد یک چشم‌انداز پر جنب‌وجوش با دیدگاه‌های متنوع می‌شود، اما نگرانی‌هایی را در مورد موضوعاتی مانند تمرکزگرایی نیز ایجاد می‌کند، زیرا ممکن است نهادهای قدرتمند بر بازار به ضرر بازیگران کوچک‌تر تسلط داشته باشند.

۲- نظریه اقتدارگرایی^۶

برخلاف نظریه‌های آزادی‌خواهانه، نظریه اقتدارگرا از کنترل قوی دولت بر رسانه‌ها و فضای مجازی حمایت می‌کند. بر اساس این نظریه "حفظ ارزش‌های حکومت و قدرت سیاسی" مطرح است. به نظر می‌رسد که دولت باید اختیار تنظیم محتوا، مالکیت و انتشار اطلاعات را برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از گسترش دیدگاه‌های مخالف داشته باشد. منتقدان استدلال می‌کنند که این رویکرد می‌تواند بیان آزاد را خفه کند و تنوع دیدگاه‌ها را در جامعه محدود کند. اصول نظریه اقتدارگرایی از نظر مک کوئیل شامل تضعیف نکردن قدرت موجود، بازتاب قدرت از طریق رسانه و سیاست خبری، تبعیت از قدرت حاکم، نداشتن اعتراض و توهین به ارزش‌های غالب حکومت و در آخر منفعل بودن خبرنگاران است. (مک کوئیل، ۱۳۹۰، ص ۱۷)

۳- نظریه اجتماع‌گرایی^۷

نظریه اجتماع‌گرایی ادعا می‌کند که کنشگران رسانه‌ای و فضای مجازی وظیفه اخلاقی دارند که در خدمت منافع عمومی^۸ باشند و فرد را جدا از جمع و جامعه و فرهنگ نمی‌داند. این رویکرد پیشنهاد می‌کند درحالی‌که فضای مجازی باید از کنترل مستقیم دولت آزاد باشد، باید با احساس مسئولیت در قبال جامعه هدایت شود. این نظریه از استانداردهای بالای حرفه‌ای گری،

5 Rethinking theory

6 Media organizations

7 Authoritarian theory

8 Government

9 Social theory

10 Public interest

دقت و تعهد به ارائه طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها حمایت می‌کند. البته دولت می‌تواند در این چارچوب محدودیت ایجاد کند؛ به این معنا که اگر رسانه‌ای متعرض فرهنگ و اجتماع شود، دولت حق دارد و می‌تواند مانع آن شود.

جمع‌بندی رویکردها به فضای مجازی و سیاستگذاری آن

همان‌طور که از تناظر دیدگاه‌ها نسبت به فضای مجازی و سیاستگذاری آن به دست می‌آید، تقاطعی نظری میان آن‌ها وجود دارد. در هر دو حوزه، مفصل‌بندی رویکردها ما را به سه رویکرد "تبعیت فناوری از تفکر انسانی"، "خودمداری فناوری" و "تعامل طرفینی فناوری و انسان" رهنمون می‌کند. (ایلول، ۱۳۸۸، ۱۰)

رویکرد اول که محصول تناظر ابزارگرایی در ماهیت فضای مجازی با آزاداندیشی در سیاستگذاری است، معتقد است فضای مجازی و سیاست‌های آن توسط اراده انسان و مبتنی بر واقعیت‌های فنی آن خصوصی شده است. در این رویکرد، فردیت بر منافع عمومی و همچنین سیاست‌های حاکمیت تقدم دارد. رویکرد دوم که به‌نوعی بر جبر باوری در ماهیت فضای مجازی تکیه دارد، دارای نظامی درونی است که انسان را مجبور به خلق ماهیت خاصی از فناوری می‌نماید. این نکته در ضرب با نگاه ساختارگرا در سیاستگذاری بدان معنا خواهد بود که این جبر، طراحی ساختار قدرت برای بسط و بازتولید سلطه خویش است؛ رویکردی شبیه مکتب فرانکفورت، مارکسیسم ساختارگرا و صنعت فرهنگی به فضای رسانه که معتقد است اساساً قدرت برای پرهیز از جنبه سخت در اعمال قدرت و کنترل‌گری خود، رسانه و فضای مجازی را طراحی نموده است، تا به صورت نرم و در قالبی فرهنگی، دغدغه‌های خود را اعمال نموده و قدرت خود را مشروعیت ببخشد و فضای مجازی سازه شکل‌گیری و بقای ساختار است. (استریناتی، ۱۳۹۲، ۸۶)

به نظر می‌رسد نه اراده انسانی این‌قدر مختارانه می‌تواند فضای مجازی را شکل دهد و نه بر اساس این اراده آزاد می‌توان سیاست‌هایی ناظر به فضای مجازی طراحی نمود. همچنین ساختارها نیز این میزان قدرت و مقبولیت را واجد نیستند که بتوانند ماهیت فضای مجازی و سیاست‌های آن را یکسره و بدون دخالت کنش کاربران ساخت دهند. بر این اساس رویکرد اول و دوم یعنی "تبعیت فناوری از تفکر انسانی"، "خودمداری فناوری" الگوی مناسبی برای تقاطع‌گیری ماهیت و سیاستگذاری فضای مجازی نیستند. مدل سوم که قائل به "تعامل طرفینی فناوری و انسان" است، در برداشتی واقع‌بینانه سهم اراده و ساختار و یا کاربر و سیاست‌گذار را به نحوی طرفینی در نظر گرفته و آن را حاصل تعامل بین آن‌ها می‌داند. بر این اساس این نوشتار سیاست‌های پیشنهادی را در قالب نگاهی تعاملی ترسیم می‌کند و معتقد است ماهیت فضای مجازی بر اساس دیالکتیک میان اراده انسانی و ذات فناوری شکل گرفته و سیاستگذاری آن بایستی هم معطوف به منافع عمومی باشد و هم منافع اشخاص را پی‌بگیرد. این خط‌مشی‌گذاری بر اساس هنجارهایی شکل می‌گیرد که فضای مجازی معطوف به آن تکیه یافته و مدیریت می‌شود و از زمره این ارزش‌ها نهاد خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی است؛ چه اینکه این بنیان اساسی در آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی نهادی مقدس دانسته می‌شود. و همه ابعاد و بخش‌های جامعه درباره آن تکالیفی بر عهده دارند؛ چراکه نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسؤولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر

و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. (ظریفیان یگانه: ۱۴۰۳، ۲۰) بر اساس آنچه در نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها نیز بر آن تأکید شده نهادها ابزاری اصلی برای دستیابی به این هدف از طریق تحقق امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی جامعه به شمار می‌آید (بیابانی، ۱۳۹۴، ۱۴۰) و همه این نهادها بر خانواده مؤثرند.

ماهیت خانواده

این نوشتار ناظر به ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده از طریق اتخاذ سیاست‌های صحیح حاکمیت درباره فضای مجازی است. از این رو شناخت ماهیت خانواده، به‌ویژه شکل جدید آن در جهان متکثر امروز و صورت‌بندی و فهم سرمایه اجتماعی خانواده نقش اساسی در استخراج و تدوین سیاست‌های حاکمیتی که مقصود ماست دارد. اغلب در تعاریف خانواده آن را به‌عنوان نهادی اجتماعی که دارای خصوصیاتِ چون محل سکونت مشترک، همکاری اقتصادی، بازتولید نسلی، حمایت از افراد خانواده و ... می‌دانند. آنچه خانواده را هم به‌عنوان یک سازه اجتماعی و هم به‌عنوان ساختاری دارای اجزاء قابل تعریف می‌نماید، معنایی است که خانواده حول آن شکل می‌گیرد. اعضای خانواده بر اساس این معنا تعاملات خود را با یکدیگر و انتظارآشان را از همدیگر تنظیم می‌کنند. این معنا تحت تأثیر فرهنگ و ایدئولوژی و هنجارهای حاکم بر جوامع تحقق می‌یابد. (چیل، ۱۳۸۸، ۸۱) این معنا همان‌طور که نیازمند تولید است، بایستی مورد مراقبت نیز قرار گیرد تا در فرایندی تعدیل‌شده، به رشد و پویایی و تعالی برسد. این معنا که می‌توان آن را ایدئولوژی و یا الهیات خانواده نامید، تعیین‌کننده واقعیتی از خانواده است که آن را الهی و طبیعی جلوه می‌دهد و تعیین می‌کند سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حکمرانی به سمت حمایت و ترویج چه نوع خانواده‌ای برود؛ سازه‌ای همگون که هویت فردی، اجتماعی و هنجاری افراد جامعه را از طریق رابطه‌ای عاطفی و پایدار شکل می‌دهد.

خانواده دوفضایی‌شده؛ غلبه جهان دوم بر جهان اول

خانواده دوفضایی‌شده، واقعیتی است که به امری فرازمانی، فرامکانی، در معرض اطلاعات نامحدود و سیال تبدیل شده و در مجموع از دو فضای موازی خانه و فراخانه یعنی فضای مجازی شکل یافته است. در صورت غلبه جهان دوم بر جهان اول، این خانواده دوفضایی‌شده و از منفردهایی تشکیل یافته که گاه صرفاً فقط در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و تعلق عمیق به یکدیگر ندارند و در نهایت انسجام خانواده که مهم‌ترین ویژگی در کسب سرمایه اجتماعی افراد از خانواده است کمرنگ می‌گردد؛ چنین خانواده‌ای مرجعیت خود را در تربیت از دست داده و می‌بایست از خود در برابر مرجعیت‌های متعدد هویتی و ارزشی دفاع کند. البته باید توجه داشت که در این فضا، موقعیت‌های مناسبی مانند امکان فراگیری نیز برای خانواده فراهم آمده است که این نوشتار قصد پرداخت به آن‌ها را ندارد.

از مهم‌ترین شاخص‌های خانواده دوفضایی‌شده، تغییر شکل از خانواده گسترده، کم شدن روابط انسانی اعضای خانواده، تضعیف نظام سلسله مراتبی خانواده، افزایش فردگرایی و کاهش بار عاطفی خانواده، شکاف بنیادین میان ارزش‌های نسلی والدین و

فرزندان، تحول فرایند تربیت در خانواده، کاهش اعتماد و افزایش سوء تفاهم، کاهش صمیمیت و ارتباطات عاطفی، کاهش گفتگو، تنوع‌طلبی عاطفی و جنسی، دسترسی به دوستی‌های ناشناخته، افت اخلاقی، پرخاشگری و ... است که در نهایت می‌توان از آن به انفعال خانواده یاد کرد.^۱ (ظریفیان یگانه: ۱۴۰۳، ۲۰۸)

خانواده و سرمایه اجتماعی

در مطالعات جامعه‌شناسی، زندگی خانوادگی به موازات زندگی اجتماعی به عنوان موضوع سرمایه اجتماعی قلمداد می‌شود. زیرا این دیدگاه به دنبال فهم و حفظ ماهیت نظم اجتماعی مرکزی است (وال و همکاران، ۳۰۳، ۱۹۹۸) و شبکه روابط خانوادگی و کیفیت پیوند اعضا و معانی شکل گرفته آن، ارتباط مستقیمی با این مسأله دارد. (وینتر، ۲۰۰۰، ۱). البته دیدگاه‌هایی نیز خانواده را به عنوان متضاد سرمایه اجتماعی در جامعه به طور کلی می‌داند، زیرا پیوندهای قوی خانوادگی بر دیگر تعهدات اجتماعی غلبه پیدا نموده و پیوندهای ضعیف‌تر اجتماعی را از بین می‌برد. (فوکویاما، ۳۷، ۱۹۹۹) با توجه به تحقق خانواده دوفضایی، سیاستگذاری فضای مجازی به طور مستقیم و محسوسی در کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود. این بدان معناست که دولت باید سیاست‌های خود را در راستای حفظ و بهینه‌سازی این نهاد اجتماعی تنظیم نماید.

از میان تعاریف سرمایه اجتماعی بوردیو آن را "منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند" می‌داند (بوردیو، ۱۹۹۳، ۲۵۱)، کلمن^۲ جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود سود می‌برند^۳ دانسته (کلمن، ۱۹۹۰، ۱۳) و پاتنم^۴ اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل‌کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترکند^۵ معرفی می‌کند. (پاتنم، ۲۰۰۰، ۲۳) پاتنم می‌گوید: «بنیادی‌ترین شکل سرمایه اجتماعی خانواده است». (پاتنم، ۱۹۹۵، ۷۳) بوردیو خانواده را محل اصلی انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می‌داند. (بوردیو، ۳۳، ۱۹۹۳) و فوکویاما ادعا می‌کند که "خانواده‌ها آشکارا منابع مهم سرمایه اجتماعی در همه جا هستند" (فوکویاما، ۱۹۹۹، ۱۷)

به نظر می‌رسد خانواده، بر اساس هر سه معنا می‌تواند سرمایه اجتماعی تلقی گردد؛^۱ هم منبعی است که منافع عمومی و سیاستگذاری‌های دولت در توزیع و عدالت آن را رصد می‌کند،^۲ هم حیثیتی است که انسان‌ها از طریق آن به منافع چون منزلت اجتماعی، برقراری ارتباطات و... می‌رسند و^۳ هم در مقیاس کلان دولت می‌تواند هنجارهای خود را از طریق خانواده ترویج داده و سبب بهینه‌سازی کنش‌های اعضای جامعه و تحکیم و توسعه اهداف و اقتدار خود شود؛ بدین صورت که از طریق خانواده هنجارها و شبکه‌هایی را طراحی و حمایت کند که سبب تحقق امر اجتماعی مطلوب خود گردد. (پاتنل، ۱۹۹۷، ۹۴) در نهایت می‌توان گفت فرضیه ضمنی این ایده است که برای یک اجتماع قوی، بایستی خانواده‌هایی قوی داشت.

ابعاد سرمایه اجتماعی به سه بُعد ساختاری، شناختی و ارتباطی یک رابطه تقسیم می‌شوند که در این نوشتار منظور رابطه خانوادگی است. بعد ساختاری به شکل، نوع پیوند و ساختار میان اعضای خانواده اشاره دارد. بعد شناختی به معانی، زبان، علائم

1 . Bourdieu

1

1 . Coleman

2

1 . Putnam

3

و روایت‌های مشترک بین ایشان می‌پردازد و بعد ارتباطی به مسائل هنجاری مثل اعتماد، تعهدات و روابط متقابل، تعیین هویت مشترک و ... می‌پردازد. (نهاییت و گوشال، ۱۹۹۸، ۲۴۲)

ابعاد اساسی خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی

۱- بعد ساختاری

1-1- شبکه و گستردگی خانواده

از این منظر گستردگی خانواده ارتباط مستقیمی با سرمایه اجتماعی دارد؛ در فضای سنتی که خانواده گسترده در برابر خانواده هسته‌ای شیوع داشت، این سرمایه در سطح بالاتری محقق بود و اکنون تغییر الگوی زندگی خانوادگی و تک والد و کم‌فرزند شدن آنها، نشان‌گر افت سرمایه اجتماعی هستند. (پاتنم، ۱۹۹۵، ۷۳) فورستنبرگ در تحقیقی اشاره می‌کند ارتباط خویشاوندی و تعداد دوستان خانوادگی که در صورت وسعت روابط خانوادگی و در خانواده‌های گسترده محقق می‌شود، تأثیر مستقیمی بر جوانی و امید به زندگی دارد. (فورستنبرگ و هیوز، ۱۹۹۵، ۵۸۷).

۲-۱- نظام طبقاتی خانواده

روابط گسترده خواستار تنظیم‌گری دقیقی است که بایستی بر اساس نقش‌ها و جایگاه‌های افراد صورت بپذیرد. هرچند این روابط بر اساس تکالیف و وظایف صورت می‌پذیرند اما گاردنر وجود سلسله‌مراتب اخلاقی در خانواده را ضروری می‌داند. این در حالی است که در نظام فردگرایی کنونی، آزادی در انتخاب ارزش‌ها به معنای رفع نظام سلسله‌مراتبی اخلاقی و وجود ملاک و معیار در تعیین هنجارهاست. این سبک در تعیین هنجارها موافق با منافع دولتهایی است که همیشه می‌خواهند فرد را در تعیین اشتباه ارزش‌ها مقصر بدانند، در صورتی که همیشه خانواده محل تمرین و تربیت ارزش‌های سلسله‌مراتبی بوده است و این عملیات را بر اساس تصویر سلسله‌مراتب خانوادگی مثل جایگاه بالای پدر و مادر، لزوم رعایت احترام از سوی فرزندان، ضرورت حمایت والدین از فرزندان و فضیلت‌هایی چون ایثار، صبر و ... انجام داده است. (گاردنر، ۱۳۸۶، ۵۶)

۲- بعد شناختی

۲-۱- هویت

هویت، امری است که شخص بر اساس آن خود را تعریف می‌نماید و خانواده بخش مهمی از این ساحت وجودی است. هویت مجموعه‌ای از بینش‌ها و دانش‌ها و ارزش‌هایی است که فرد از کودکی و برای اولین بار در خانواده آن را فهم و تجربه می‌نماید و هویت اولیه او را شکل می‌دهند. حتی هویت ثانویه فرد که از طریق آموزش‌ها و شناخت‌های بعدی و نیز متأثر از تعامل با بیرون

خانواده حاصل می‌شود، در چارچوب جهان‌بینی خانواده دارای معنا می‌شود. تنوع در طیف جنسی و سیالیت هویت جنسی که به معنای انتخابی بودن تمایل جنسی است، به سرعت در حال پیشرفت است؛ این تشویش در جوامع غربی از گناه به بیماری و سپس به وضعیت بهنجار تبدیل شده است. بدیهی است این سیر سریع عوامل مختلف روان‌شناختی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و ... دارد. اما به وضوح روشن است سهم فضای مجازی در مشروعیت‌بخشی و عادی‌سازی آن بسیار زیاد است. (عزیزی، ۱۴۰۲، ۱۶)

۲-۲- معنا

اساس خانواده معنایی است که خانواده حول آن شکل می‌گیرد و افراد خانواده بر اساس آن رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را ساخت می‌دهند. آنچه در شکل‌گیری معنا دخالت مستقیم دارد عقاید، باورها، قدرت تعقل، تحصیلات و هنجارهای اخلاقی اعضای خانواده مخصوصاً والدین است. فرسودگی معنا در خانواده، به معنای کاهش سرمایه اجتماعی است. آنچه در معنای عمیق از زندگی خانوادگی مدنظر، آن را تبدیل به نهادی اجتماعی از سویی و سازه‌ای الهیاتی از سوی دیگر می‌نماید. مذهب و دین عامل مهمی در شکل‌گیری معنا و افزایش سرمایه اجتماعی هستند. (اسمارت، ۱۹۹۶، ۳۰۷)

۳- بعد ارتباطی

1-3- انسجام و استحکام روابط

از ویژگی‌های مهم خانواده انسجام و احساس تعلقی است که مبنای سایر ویژگی‌های خانواده می‌شود. استحکام روابط زن و مرد از سویی و روابط والدین و فرزندان از سوی دیگر جنبه‌ای مهم از خانواده است. این انسجام سبب ایجاد و انتقال سرمایه انسانی از طریق والدین می‌شود. کلمن به این فرایند تجسم‌یافتگی سرمایه اجتماعی در روابط خانوادگی می‌گوید و آن را وابسته به حضور فیزیکی بزرگسالان در خانه و توجه به امر تربیت می‌داند. (کلمن، ۱۹۹۸، ۳۸۴)

۳-۲- همکاری افراد خانواده

کیفیت تعامل افراد خانواده با یکدیگر، شاخص مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. رفتار متقابلی که بر این اساس شکل می‌گیرد، صورت‌های مختلفی دارد که مشارکت و همکاری معتدل‌ترین فرضی است که می‌تواند شکل بگیرد. اعتماد و احترام متقابل، فراوانی بحث با والدین در مورد مسائل شخصی از سوی فرزندان، عزت نفس، مسئولیت‌پذیری و ... از زمره هنجارهایی است که بر این اساس شکل می‌گیرد و این ارزش‌های مثبت شکل گرفته هرچند ساحتی روان‌شناختی دارند اما سازه‌ای جامعه‌شناختی است، زیرا با درونی‌سازی این اوصاف در افراد خانواده و انتقال آن از طریق نسل‌ها سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. (پارسل و مناغان، ۱۹۹۳، ۱۲۰)

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش، با تناظر رویکردهای مختلف به ماهیت فضای مجازی، سیاست‌گذاری فضای مجازی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی خانواده به تحلیل تأثیر فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته شده است. در این راستا، از میان نظریه‌های مختلف، دیدگاه تعامل طرفینی مدنظر است زیرا هم میان فناوری و انسان و هم میان کاربر و حاکمیت، تعادل برقرار نموده و منفعت فرد و جامعه را هم‌زمان در نظر می‌گیرد. همچنین خانواده در سه بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی به‌عنوان سرمایه اجتماعی ملاحظه می‌شود و حاکمیت با راهبردهای مبتنی بر رویکرد تعامل در قلمرو ماهیت فضای مجازی و نیز سیاست‌گذار آن، می‌تواند به ارتقای این سرمایه اقدام نماید.

روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیل محتوا مبتنی بر رویکرد کیفی به بررسی موضوع حکمرانی فضای مجازی و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده می‌پردازد. در این راستا، از منابع مختلفی از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی و اسناد سیاستی استفاده شده است.

سوال تحقیق

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که کاربری چه سیاست‌ها و راهبردهایی در عرصه حکمرانی فضای مجازی، به تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده منجر می‌شود؟

گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به این منظور، ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، مانند "فضای مجازی"، "سرمایه اجتماعی"، "خانواده"، "حکمرانی" و "سیاست‌گذاری"، جستجویی در پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های آنلاین انجام شد. سپس، منابع مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی و جمع‌آوری شدند.

تحلیل داده‌ها

فضای مجازی چه در چنبره اراده انسانی باشد و چه اراده انسانی را مقهور خود نماید، برای جهان انسانی تولید معنا می‌کند و به‌واسطه واقعیت نمادین خود، این انتقال را شدت و مقبولیت می‌بخشد. آنچه روشن است دخالت مستقیم و اثرگذار این جهان

بر نظام هنجاری است؛ نظامی که در خانواده شکل می‌گیرد، در اجتماع ساخت می‌یابد و در بازگشتی دیالکتیکی، خانواده را نیز هنجار می‌بخشد. آنچه در این میان واجد اهمیت است سهم حاکمیت در کنترل و بهبود این اوضاع است، هرچند فرهنگ امری قابل مدیریت به نحو دستوری نیست اما وظیفه حاکمیت پویا، ایجاد زمینه‌ها و اقتضائات لازم جهت حرکت در ارتقای خانواده در دوران کنونی است.

باید پذیرفت که خانواده کنونی در دو جهان موازی که هر دو واقعی بوده و منجر به رفتارها و کنش‌های خارجی تأثیرگذار می‌شوند، زیست می‌کند و رویکرد سلبی و فرار از این زیست‌بوم، راه حلی مناسب و دائمی برای این وضعیت نخواهد بود. معرفت و کسب آگاهی نسبت به ابعاد این خانواده دوفضایی و تلاش برای ورود محتوایی و تأثیرگذاری ایجابی در آن، تأکید بر حفظ مقومات خانواده و ارزش‌های آن در هر دو فضا، توجه سیاست‌گذاران به ارزش‌های اصیل و هماهنگی جنبه محتوایی رسانه در جایگاه مدیریتی آن و نیز ورود میانجی‌ها و الگوهای هویتی عمیق مانند جامعه نخبگانی به جای سلبریتی‌ها از زمره اموری است که می‌تواند خانواده را به‌عنوان عنصری تمدن‌ساز در جهان کنونی حفظ کند و ارتقاء بخشد.

خانواده به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی هم برای فرد و هم برای حاکمیت سرمایه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود و اندیشمندان این حوزه از علوم اجتماعی نیز به این امر تصریح کرده‌اند. آنچه از خانواده به‌عنوان سرمایه اجتماعی متصور است، بعد ساختاری، شناختی و ارتباطی آن است که بایستی مورد توجه سیاست‌گذاران و نیز خود خانواده و اجزاء آن قرار گیرد. به لحاظ شکل ساختاری و گستره خانواده که دو صورت خانواده گسترده و هسته‌ای را شامل می‌شود، فرض گسترده، هم حوزه ارتباطات بیشتری را در بر می‌گیرد و هم ظرفیت عاطفی و هنجاری وسیع‌تری را در اختیار خانواده و سیاست‌گذار، جهت ارتقای سرمایه اجتماعی قرار می‌دهد. واقعیتی که چالش‌های عظیم جهانی همچون سالمندی، گرایش به فردیت و درون‌گرایی، افسردگی و فقدان جنبه‌های حمایتی امروزی را می‌تواند سامان بخشد. همچنین نگاه معنایی داشتن به فضای مجازی و نیز تأکید بر معناگرایی به خانواده در انسجام و هویت آن، راهبردی اساسی در راستای تقییم و تقویم این سرمایه اجتماعی است. باید دانست که خانواده بر اساس معنا شکل می‌گیرد و اعضای آن بر مبنای همان، روابط خود را با یکدیگر تنظیم نموده و دارای هویت فردی و اجتماعی می‌شوند. نگاه ابزاری صرف به فضای مجازی، بدون توجه به معنایی که در درون آن نهفته است، هیچ‌گاه نمی‌تواند به لایه شناختی و معنایی خانواده ارتباط برقرار نماید، در نتیجه حاصل توازی این دو نگاه معناگرا، ارتقای سرمایه اجتماعی ناظر به خانواده خواهد بود. همچنین هنجارها و نوع روابطی که در خانواده شکل می‌گیرد، از ابعاد قابل سرمایه‌گذاری از سوی سیاست‌گذاران است؛ منزلت مقام پدری، تقدس جایگاه مادری، اهمیت تربیت و فرزند پروری، احترام به خویشاوندان، مسئولیت‌پذیری و مشارکت جمعی، حساسیت‌های صحیح اجتماعی و ... ارتباطاتی است که اگر فرد در خانواده، با اهمیت و روش صحیح آن آشنا شود در اجتماع نیز شهروند و نیروی اجتماعی مطلوبی خواهد بود. در این میان فرهنگ شهرت و سست شدن معیارهای الگو، آسیبی جدی برای همه ابعاد خانواده است زیرا هم محتوا و شناخت افراد خانواده را و هم نوع روابط و ساختارهای آن را به چالش می‌کشد. تنزل خانواده از مقام مرجعیت و الگودهی، قبح‌زدایی برخی هنجارها که سلبریتی‌ها خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانند، ترویج الگوهای غیر مرسوم روابط فرا زناشویی، تنوع مدل‌های تشکیل خانواده و ... از زمره این آسیب‌هاست که سیاست‌گذاران اگر

به دنبال سرمایه اجتماعی سالم و معتدلی برای خود هستند، بایستی این وضعیت و تأثیری که بر ابعاد مختلف خانواده را دارد، مورد بررسی و اصلاح قرار دهند.

در نهایت می‌توان گفت ماهیت فضای مجازی نه یکسره به دست اراده انسانی است و نه دارای جبر فناورانه است. بلکه ماهیتی تعاملی میان انسان و فضای مجازی وجود دارد که هر یک بر تکنون و ویژگی‌های دیگری تأثیر مستقیم و غیرمستقیم می‌گذارد. بر این اساس سیاستگذاری آن نیز نه مبتنی بر لیبرالیسم و اراده آزاد بشری ممکن است و نه مقهور قدرت و اقتدار ساختارها و سیاست‌گذاران است، بلکه بر اساس شیوه‌ای تعامل‌گونه میان فرد و اجتماع و سیاست‌گذار رقم می‌خورد که هم منفعت‌های اجتماع و هم فرد را در نظر داشته باشد، ضرب این نگاه‌ها در یکدیگر این امکان را به سیاست‌گذاران حوزه فضای مجازی می‌دهد، تا با در نظر داشتن ماهیت فضای مجازی و منفعت کاربران و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند، خانواده را به‌عنوان سرمایه‌ای اجتماعی در نظر داشته و در راستای ارتقای آن راهبرد و سیاست طراحی نمایند. تقویت و ارتقای هسته معنایی، شکل ساختاری و نوع ارتباطات خانواده و تلاش برای روزآمدسازی آن، امری است که می‌توان از فضای مجازی برای آن یاری گرفت. مهم آن است که بدانیم با سیاستگذاری‌های صحیح، خانواده به‌عنوان پناهگاهی امن برای اعضای خود، مأمنی عاطفی و شناختی و ارتباطی جهت شکل‌گیری و جهت‌دهی به ذائقه خلقی اعضای خود است، اعضای که شهروندان تراز جامعه جهانی خواهند بود. پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تحلیل و بررسی داده‌ها پرداخته شد. در این راستا، ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش، مانند "فضای مجازی"، "سرمایه اجتماعی"، "خانواده"، "حکمرانی" و "سیاست‌گذاری"، تعریف و تبیین شدند. سپس، با استفاده از این مفاهیم، به تحلیل و بررسی محتوای منابع گردآوری شده پرداخته شد. در این پژوهش، از سه رویکرد اصلی برای تحلیل موضوع استفاده شده است:

۱. رویکرد ابزارگرایی، ذات‌گرایی و تعامل‌گرایی در خصوص ماهیت فضای مجازی
۲. رویکرد لیبرالیسم، اقتدارگرایی و اجتماعی‌گرایی در سیاست‌گذاری فضای مجازی
۳. بررسی تأثیر این رویکردها بر سرمایه اجتماعی خانواده

با ترکیب این سه رویکرد، به تحلیل و بررسی موضوع پرداخته شده و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری در فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته شده است.

پیشنهادهای سیاستی

چنانکه گذشت، مسأله اصلی این نوشتار بررسی راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی در راستای ارتقاء سرمایه اجتماعی خانواده است. سیاست‌هایی که تاکنون در ایران اتخاذ شده است مانند تأسیس پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات) و نیز مقررات و ضوابط مصوب شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیگر شوراهای

مجامع، بیشتر مبتنی بر رویکردهای سلبی بوده که اشاره به فعالیت‌های ممنوعه دارد. به نظر می‌رسد هرچند با سال‌ها تأخیر و خسارت و هرچند دیر هنگام، باید به سیاست‌های ایجابی توجه ویژه‌ای کرد. موارد زیر ناظر به ابعاد سه‌گانه ساختاری، شناختی و ارتباطی پیشنهاد می‌شود:

۱- تقویت رویکرد نظری معناگرا به فضای مجازی در راستای ارتقای بعد شناختی

فضای مجازی به مثابه ساخته نوپدید بشری که رفتار مردم در سطح عمومی جامعه را شکل می‌دهد. برخی رویکردها مانند پست‌مدرنیسم، قائل به معنایی نظام‌مند در ورای این فضای مجازی نیست و مظاهر آن را صرفاً ابزاری ساخته‌شده توسط بشر قلمداد می‌نمایند. این در حالی است که رویکردهایی چون مکتب فرانکفورت و سوسیالیسم و یا فمینیسم قائل به نظام معنایی هستند که البته از سوی نظام سلطه جهانی به طراحی و مدیریت فضای مجازی می‌پردازد. در این میان افرادی مانند جان استوری و استریناتی نگاهی ایجابی به وجود معنا دارند؛ بدین معنا که می‌توان در دیالکتیک با عینیت‌ها، معانی‌ای مشترک را شکل داد که هم منفعت عمومی را در نظر داشته باشد و هم دغدغه‌های سیاست‌گذار را در قالب نظامی معنایی پیگیری نماید. (استریناتی، ۱۳۹۲، ۱۳۵) این بدان معنا خواهد بود که خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی یکی از ارکان نظام معنایی فضای مجازی و سیاست‌گذاران با توجه به ابعاد ساختاری و شناختی و ارتباطی خانواده، می‌توانند سرمایه اجتماعی خود را در قالب معانی منعکس‌شده در این فضا، ارتقا بخشند.

۲- شناسایی و بازیابی نظام خانواده دوفضایی در راستای ارتقای بعد ساختاری

خانواده دوفضایی بایستی بپذیرد، اکنون در جهانی بدون مرز و متشکل از فرهنگ‌های هم‌سو و ناهم‌سو زیست می‌کند و برای ادامه حیات خود مبتنی بر ارزش‌های اصیل بایستی هم عناصر اصلی آن را شناسایی نموده و هم بر اساس شرایط موجود بازیابی کند. نقش زن و مرد در خانواده و رابطه تربیتی آنها با فرزندان، نیازمند الگویی تربیتی است که علیرغم فضای شبکه‌ای، قدرت بازنمایی ارزش‌های مطلق و پایه و نیز نظام سلسله‌مراتبی را داشته باشد. در شرایط کنونی تأکید بر هویت تعلقی افراد خانواده و نیز استفاده بیشتر از گفتگو و مشورت‌های بینا خانوادگی، ترکیبی جدید و میانه نظام خطی و شبکه‌ای را شکل می‌دهد که در آن هرچند قوامیت مرد پذیرفته می‌شود اما افراد به‌عنوان شبکه مشورتی و تصمیم‌ساز در امور ورود کرده و صاحب مسئولیت هستند. همچنین خانواده بایستی به تأثیر مستقیم و فزاینده فضای مجازی بر خود، متوجه باشد و با تنظیم حدود و ثغور آن از فرسایش خود جلوگیری نماید؛ سطح دسترسی فرزندان به شبکه‌های اجتماعی، مدیریت والدین بر استفاده خود از فضای مجازی و... از زمره امور قابل توجه و مذاقه است. سیاست‌گذاران و فعالان فضای مجازی نیز باید بدانند حرکت بر خلاف معنای خانواده طبیعی و نیز هندسه رابطه و جایگاه زن و شوهر و والدین و فرزندان، از زمره خط قرمزهاست. بر این اساس محتوایی که نقش پدر یا مادر را تحقیر و گونه‌های غیرطبیعی خانواده را تجویز و وظایف زن و شوهر را تحریف می‌کنند، اساساً ضد ارزش تلقی شده

و نبایستی پخش و رواج یابند. در شرایط موجود تنظیم‌گری غیر سطحی و محتوایی فضای مجازی توسط حاکمیت کمتر مورد اهتمام است.

۳- اولویت‌بخشی به جامعه نخبگانی در راستای ارتقای بُعد شناختی خانواده

از جامعه‌ای که در آن فرهنگ هواداری و فرهنگ شهرت با الهام از سبک زندگی غربی رونق دارد و اقبال رسانه‌ها خصوصاً فضای مجازی به‌سوی سلبریتی‌ها و چهره‌های ورزشی و هنری است، نمی‌توان انتظار الهام‌بخشی و تمدن‌سازی داشت. هرچند این قلمروها و نقش‌آفرینان آنها که برخی صلاحیت الگوسازی دارند در جای خود ارزشمند هستند ولی عدم توجه و سرمایه‌گذاری روی نخبگان، جامعه را نامتوازن می‌کند و به پیکره خانواده نیز صدمه می‌زند. با توجه به این عدم توازن در جامعه ما، حاکمیت به‌عنوان سیاستگذار و تسهیل‌گر و همچنین خانواده‌ها، می‌بایست اقبال افراطی و بی‌مبنا به سلبریتی‌ها و استفاده بی‌مرز از تولیدات آنها در فضای مجازی را مدیریت نموده و منزلت نخبگان و مفاخر را پاس دارند. تدبیر در این خصوص با نگاه ایجابی به رویکردها و اولویت‌های فعالیت سگوهای مجازی در عرصه‌های مختلف از جمله حمایت از تولیدات سینمایی، مکتوب و... که به جامعه نخبگانی و مفاخر توجه ویژه دارند ضرورت دارد.

۴- حمایت از تولید محتوا توسط خانواده در راستای ارتقای بعد ارتباطی آن

از جمله کاستی‌های موجود در فضای مجازی، تولید محتوای سازنده و انتشار آن است. خانواده دوفضایی می‌تواند به‌سوی تولید محتوا در فضای مجازی و الگوسازی مبتنی بر آن حرکت کند. در غیر این صورت عملاً در موقعیت مصرف‌کننده صرف باقی می‌ماند. این اقدام، خانواده را در جهان دوم فعال، پویا و اثرگذار می‌کند و موجب خودشکوفایی آن می‌شود.

۵- تقویت شناخت فضای مجازی در خانواده در راستای ارتقای بعد شناختی آن

شناخت فضای مجازی امری است فراتر از آنچه در این سال‌ها به‌عنوان سواد رسانه‌ای از آن یاد می‌شود. حرکت از سواد دانشی به سواد تحلیلی است و در نهایت استقرار در یک فهم پایدار که ناظر به نظام فکری است و فرد قوه شناخت عمیق و پایدار پیدا می‌کند آن چنانکه مرز میان صحیح و ناصحیح را مبتنی بر شناخت نظام فکری خاص تشخیص دهد. این تحلیل و شناخت مبتنی بر کنش عقلانی و درک غایت از هستی با نفی نگاه فردگرایانه شکل می‌گیرد و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر آن را هدف قرار می‌دهد. سیاستگذاری حاکمیت در فضای مجازی باید تقویت مقاومت در خانواده امروز را به‌عنوان یک اصل مهم قرار داده دهد و از امکانات موجود برای این مهم بهره گیرد.

منابع

۱. ایلول، ژاک (۱۳۸۸). خودمداری پدیده تکنولوژیک. ترجمه ایرج قانونی، ماهنامه علمی تخصصی اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۷، ۱۳۸۸، صص ۸-۱۵.
۲. برون، مهرداد (۱۳۹۸) فضای مجازی و آسیب‌های آن در نظام خانواده. فصلنامه زندگی محض، شماره ۲۰، صص ۷۹ - ۱۰۷.
۳. بیابانی، غلامحسین و سلطانی‌فر، محمد و مظفری، افسانه و هاشمی، شهناز (۱۳۹۴). بررسی کارکرد نظریه مسئولیت اجتماعی و رسانه. فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۹، شماره ۴، تابستان، صص ۱۶۰-۱۳۵.
۴. تقوی، مصطفی (۱۳۹۱). دو سطح بدیل اندیشی برای تکنولوژی. فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، صص ۸۴-۵۳.
۵. جوزف سی، پیت (۱۳۹۲). در باب تکنولوژی مبانی فلسفه تکنولوژی. ترجمه مصطفی تقوی، تهران: کتاب‌آمه، ۱۳۹۳.
۶. چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه محمدمهدی لبیبی، تهران: نقد افکار.
۷. شریف، نواز (۱۳۶۷). مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه. مترجم رشید اصلانی، تهران: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات.
۸. ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۴۰۳). بررسی و نقد عینیت‌گرایی در رسانه با تأکید بر مکتب اخلاقی اسلام، فصلنامه دین و ارتباطات، دوره ۳۱، شماره ۶۵، صص ۹۸-۶۷.
۹. ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۴۰۳). مجموعه چکیده مقالات همایش بین‌المللی خانواده مقاوم و چالش‌های اخلاقی در جهان متحول. قم: انتشارات پژوهشکده زن و خانواده.
۱۰. عاملی، سید سعید رضا (۱۳۹۶). فلسفه فضای مجازی، تهران: امیرکبیر.
۱۱. عزیزی ابرقویی، محسن (۱۴۰۳). منهای خانواده. تهران: نشر بین‌الملل، تهران.
۱۲. کشمور، الیس (۱۳۹۵) فرهنگ شهرت. ترجمه احسان شاه قاسمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۱۳. کیان‌آباد، احسان (۱۳۹۸). چالش‌های راهبردی حکمرانی با گسترش فضای سایبر. فصلنامه علمی امنیت ملی، سال نهم، شماره سی‌وچهار، صص ۱۵۳-۱۷۴.
۱۴. گاردنر، ویلیام، ترجمه و تلخیص معصومه محمدی، جنگ علیه خانواده، پژوهشکده زن و خانواده، قم، ۱۳۸۶.
۱۵. مک کوایل، دنیس (۱۳۹۰). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۶. نصر، سید حسین (۱۳۸۵). اسلام و تنگناهای انسان متجدد، مترجم: انشاء الله رحمتی، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، زمستان.
۱۷. هات، جان اف (۱۳۸۵)، علم و دین، از تعارض تا گفت‌وگو، ترجمه بتول نجفی، قم: انتشارات طه.

۱۸. هایدگر، مارتین (۱۳۸۹). مقاله پرسش از تکنولوژی از مجموعه مقالات کتاب فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد، تهران: نشر مرکز.
۱۹. هایم، مایکل (۱۳۹۰). ترجمه سروناز تربتی، متافیزیک واقعیت مجازی، تهران: رخداد نو، تهران.
۲۰. الوانی، سید مهدی و سید نقوی، میرعلی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها، فصلنامه مطالعات مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۳، ۳۴، شهریور، ص ۲۶-۹.

References

21. Bourdieu, P. (1993), *Sociology in Question*, Sage, London
22. Brooks, S. (1993), *Public Policy in Canada*, Toronto: McClelland Stewart.
23. Coleman, James S, *Foundations of social theory*, 1990, Cambridge, Mass. : Belknap Press of Harvard University Press
24. Drucker, Peter F., "Work and Tools", *Technology and Culture*, winter 1959, vol. 1, no. 1, p. 28.
25. Feenberg, Andrew, *Alternative Modernity: The Technical Turn in Philosophy and Social Theory*, University of California Press, 1995, p.5.
26. Feenberg, Andrew, *Questioning Technology*, New York: Routledge, 1999, p. 80.
27. Feenberg, Andrew, *Transforming Technology: A Critical Theory Revisited*. New York: Oxford University Press (210); Albany: State University of New York Press, 2002, p.177.
28. Fukuyama, F. (1999), *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*, Free Press, New York
29. Furstenberg, F. (1995), 'Social capital and successful development among at-risk youth', *Journal of Marriage and the Family*, vol. 57, pp. 580-592. Furstenberg, G. (1998), 'Social capital and the role of fathers in the family', Chapter 15 in A. Booth & A. Creuter (eds) *Men In Families: When Do They Get Involved? What Difference Does It Make?*, Lawrence Erlbaum, New Jersey.
30. Heidegger, Martin, *Heidegger- Friend of the House*, Pennsylvania State University Press, 1983, vol. 3, p. 95
31. Howerton, P. W., & Weeks, David, C., (Eds.); Engelbart, Douglas, C. (Contributor), *Vistas in Information Handling, Volume I: the Augmentation of Man's Intellect by Machine*, 1963, p. 154.

32. Nahapiet, J. and Ghoshal, S. (1998) Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage, Academy of Management. The Academy of Management Review, 3, 242- 266.
33. Putnam, R. (1993), Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy, Princeton University Press, Princeton
34. Putnam, R. (1993a), 'The prosperous community: social capital and public life', The American Prospect, Spring, pp. 35-42.
35. Putnam, R. (1995), 'Bowling alone: America's declining social capital', Journal of Democracy, vol. 6, no. 1, pp. 65-78.
36. Putnam, R. (1996), 'The strange disappearance of civic America', Policy, Autumn, pp. 3-15.
37. Putnam, R. (1998), 'Foreword', Housing Policy Debate, vol. 9, no. 1, pp. v-viii.
38. Putnam, Robert D. Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community, 2000, Simon & Schuster, United States.
39. Putzel, J. (1997), 'Accounting for the "dark side" of social capital: reading Robert Putnam on democracy', Journal of International Development, vol. 9, no. 7, pp. 939-949.
40. Scrutten, R. (1982) A Dictionary of Political Thought, London: Pan Books
41. Whittaker, Jason, The Cyberspace Handbook, London and New York: Routledge, 2004, p 14.
42. Winter, Ian Towards a theorised understanding of family life and social capital, 2000, Australian Institute of Family Studies, Australia.
43. Woolcock, M. (1998), 'Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework', Theory and Society, vol. 27